

## اعلام خطر نهضت آزادی ایران در مورد تفرقه و خشونت

### بسمه تعالی

... واذکروا نعمه الله علیکم ان کنتم اعداء، فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها...

نعمت خدا را بر خود به یاد آرید در آن هنگام که با یکدیگر دشمن بودید و در میان شما همبستگی ایجاد کرد و در نتیجه با این نعمت الهی به صورت برادری متحد درآمدید، و به یاد آرید آن هنگامی را که بر لبه پرتگاهی از آتش کینه و اختلاف قرار داشتید و با این وحدت و همبستگی شما را از این آتش نجات داد. (آل عمران/۱۰۳)

برادران و خواهران مسلمان، سران و رهبران سیاسی و روحانی، گروهها و بالاخره مسئولین و رهبران کشور

انقلاب ما امروز در خطر تفرقه و خشونت قرار گرفته است.

موج خشونت در رفتار سیاسی دارد به مراحل حساس کشیده می‌شود. این روزها بعد از چندین ماه، روندی که بطور مخفی و بطئی رو به گسترش و رشد بود، می‌رود که سر از دوران اختفا درآورد و به صورت جریانی آشکار و مهار ناکردنی ظهور کند، این عفریت خطرناک و خانمانسوز چیزی جز تبدیل مبارزات سیاسی مکتبی به مبارزات خشن و اغتشاش نیست. در خروج این دیو مهیب و این عفریت خطرناک چه کسی و چه جناحی سود می‌برد؟ تجربه لبنان به ما چه می‌گوید؟ آیا سرانجام به جز دزدان و غارتگران داخلی و خارجی ملت ایران و غیر از استعمار و استبدادی نوین برنده دیگری وجود داشت؟ در ایجاد و توسعه این روند، عده‌ای با مقاصد مختلف و نیت صریح ضدانقلاب و ضدایرانی و اسلامی، بعضی آگاهانه ولی نه ضدانقلابی و برخی ناآگاهانه و از سر جهالت و عدم شناخت سیاسی و تاریخی ولی برای دلسوزی به حال انقلاب اسلامی ایران، نقش دارند ولی در مجموع، نتیجه عمل همه اینها یکی است. وقتی آتش سلاح در این فضای انقلابی جامعه روشن شد، حتی اگر از جانب دلسوزترین و مسئولترین مسئولان انقلاب باشد دنباله و بازتاب آن کنترل ناکردنی است و زنجیروار و خوشه‌ای آتش جنگ را در سراسر کشوری که در دایره انواع بیگانگان و توطئه‌گران خارجی و داخلی محاط و محصور است برخواهد افروخت. بنابراین روی سخن نه با مخالفان مکتبی و رقیب که با همان دوستان دلسوز ولی بی‌خبر از فرهنگ و ضوابط و موازین اداره کشور و جامعه است، و هشدار ما به ایشان که: ای یاران فداکار انقلاب اسلامی بهوش! که با آتش بازی می‌کنید. از این راه که شما می‌روید نه اسلام و مکتب بهره می‌برد و نه انقلاب و جامعه و میهن. تجربه تاریخی و منطبق سیاسی به ما نشان می‌دهد که از اینچنین جنگ و خشونت‌ها هیچیک از گروه‌های اصیل و صاحب مکتب بهره‌ای نخواهند برد

و مسلماً برنده اصلی ضدانقلاب خواهد بود.

ما از ماهها قبل در بیانیه و نشریات خود متذکر شده‌ایم که اختلاف در اندیشه و مرام فلسفی یا مذهبی و حتی اختلاف در برنامه‌های سیاسی - اجتماعی، در جامعه ما امری طبیعی و آشکار است. انقلابی که بسیار سریع و بدون عبور از مراحل تشکیلاتی و پیچ و خم‌های دراز مدت مبارزاتی و تزکیه و تصفیه طبیعی انقلابیون، به پیروزی رسید، خیلی طبیعی است که دچار چنین تفرقی در افکار باشد ولی مسئله مهم و اساسی بر سر نحوه و تدبیری است که ما نسبت به حل این تضاد و تغایر اندیشه فلسفی و حتی ایدئولوژیک می‌اندیشیم.

انقلاب اسلامی با الهام از روح توحید و تسلیم، اندیشه مخالف را تحمل می‌کند، ولی اندیشه‌ها از نظر انقلاب، در قالب مواضع سیاسی - اجتماعی و رفتار عملی اجتماعی که نیروهای انسانی دارند، ارزیابی و تحمل می‌شود. پس نحوه مواجهه نظام کنونی با نیروهای مخالف بر مبنای مواضع سیاسی - اجتماعی آنها وابستگی و عدم وابستگیشان به غرب و شرق، با ضدانقلاب یا طبقات مرفه و برخورداران اداری باید تعیین گردد، نه از روی ویژگیهای عارضی و سطحی. همچنین شدت و ضعف و کیفیت برخورد نیز تناسبی با شدت و کیفیت عمل آن نیروها باید داشته باشد، تا عمل سیاسی پاسخ نظامی دریافت نکند و بالعکس و یا برای دستمالی قیصریه به آتش کشیده نشود. ولی متأسفانه امروز داریم به سوی انتخاب منحط‌ترین و خطرناک‌ترین شیوه مواجهه با این تضاد سیر می‌کنیم و این مسیرها انقلاب اسلامی ما و وطن ما را به سوی درگیری خشونت‌آمیز می‌برد.

آیا این بی‌تفاوتی و این سکوت در برابر این روند و خطرات آن ما را و شما را ای فرزندان وطن اسلامی، ای مجاهدان و مبارزان راه آزادی و تکامل ملت اسلام و ای رهبران سیاسی و فکری و روحانی کشور، دچار شکست و پشیمانی نخواهد کرد؟ و ما را دوباره اسیر همان نوع حکومت نخواهد کرد که از شصت سال قبل بر ایران مسلط شد و حیات و هستی مادی و معنوی ملت را به باد فنا داد؟ هر عملی که روابط و مناسبات گروههای سیاسی مکتبی را به طرف خشونت و کشتار و سرکوب مسلحانه و به طرف روشن کردن آتش سلاح در فضای انقلابی کنونی ببرد، خواه از جانب گروههای کوچک و بزرگ سیاسی، و یا از جانب مقامات مسئول، رهبران روحانی یا سیاسی و یا از سران دولت باشد و یا ناخودآگاه از سر جهل و اشتباه صورت گیرد، با آتش بازی کردن است و در شرایطی که دشمنان وطن و انقلاب با تمام قوای خارجی و داخلی‌اش مترصد برانگیختن آتش جنگ و مداخله در ایران است، آب برآسیاب ضدانقلاب و استعمار جهانی ریختن است.

اما یک امر اساسی روز که ما را در برابر مسئولیتی عظیم و تاریخی نسبت به پروردگار بی‌همتای آفرینش و تاریخ و بشریت قرار می‌دهد این است که: آیا ما باید از انقلاب اسلامی خود حراست و پاسداری بکنیم یا نه؟ مسلماً احدی نمی‌تواند و حق ندارد نسبت به قطعیت و مشروعیت این حق برای انقلاب ایران تردید کند. پاسداری از انقلاب متضمن تحمل رأی و نظر و اندیشه مخالف می‌تواند باشد ولی تحمیل، تحریک، توطئه، عملیات نفاق‌آمیز و تفرقه‌انگیز، و تضعیف روحیه مردم، شکست انداختن در روندهای اساسی جامعه و... هرگز! و این محصول تجربه تاریخی تمام انقلابهای جهان است که پس از انقلاب نسبت به اینگونه عملیات و توطئه‌های جناحهای مخالف و دشمن صفت با لیبرال‌بازی و سستی و

فرهنگهای بی‌منطق نمی‌توان مواجهه شد. با ضدانقلاب به نرمی رفتار کردن و آزادی دادن همان و سرنوشت انقلاب را تقدیم آن کردن همان. و این فرمان الهی مکتب اسلام است که «خدا ما آتیناکم بقوه». وقتی روزنامه یا جماعتی با استفاده از اصل آزادی بیان و اندیشه و جماعت با پوششی از ترقی‌خواهی یا چپ‌نمائی به تحریک و نشر اکاذیب و انتشار اسرار نظامی کشور و راهنمائی آشکار به مهاجمین نسبت به استقلال کشور می‌پردازد، ضبط یا توقیف آن محدودیت اندیشه و بیان و تجمع نیست، محدودیت و افسار زدن به توطئه و تحریکات ضدانقلاب، پاسداری از انقلاب است. بنابراین در نفعی عملی که نسبت به روزنامه آیندگان صورت گرفته است و مشروعیت و قانونیت آن جای شک و شبهه نیست، ولی در نحوه و شیوه آن در اعلام و تبلیغ آن نیز باید اصول قانونی و قضائی انقلابی رعایت شود. در این مورد نیز رعایت لازم شده بود و این خود اولیای روزنامه و حامیان ناشناخته آن بوده‌اند که در عصر آن روز به دفتری که مورد حفاظت پاسداران بوده است حمله کرده‌اند تا اسناد خطرناک و لازم خود را برمایند، ولی روزنامه‌ها و دستگاههای خبری این عمل را کاملاً بعکس جلوه داده‌اند و حتی توضیحات سخنگوی دولت از طریق رادیو و تلویزیون پخش نمی‌شود.

تا اینجا آنچه صورت گرفته است حق انقلاب ایران و هر انقلاب دیگر بوده است. اما عکس‌العمل گروههای مخالف به نام آزادی، در حالی که از کیفیت عمل بی‌خبر بوده‌اند یا چنان می‌نمودند، جای تأسف داشت. این گروهها همگی پس از اطلاع از نحوه عمل از یک طرف و اطلاع از توطئه و نقشه‌ای که از جانب حامیان اصلی روزنامه مزبور طرح‌ریزی شده همگی از همراهی با راهپیمائی و تظاهرات به نفع آن روزنامه خودداری می‌کنند. تنها گروهی که می‌ماند و به راه خود ادامه می‌دهد و بلوای روز یکشنبه و معرکه چماق به دستان (مترقی و چپ‌نما) را به راه می‌اندازد و عملیاتی که متعاقب آن در آن روز، در خیابان انقلاب جلوی دانشگاه و حوالی نخست‌وزیری صورت می‌گیرد، پرده از ماهیت روزنامه مزبور و گروه حامی آن و توطئه ضدانقلاب برداشت.

در حقیقت انقلاب اسلامی ایران، صرف‌نظر از حقانیت تاریخی و طبیعی خود به لحاظ رهبری و دولت نیز به سبب پشتیبانی عمیق ۹۰٪ از جمعیت و توده مردم از مشروعیت و حقانیت کافی سیاسی برای تعطیل و توقیف تمام مراکز توطئه و تحریک برخوردار است و همین خود برای رسوائی و در انزوا قراردادن آن گروه خاص و خود روزنامه در دیدگاه صاحبان بینش سیاسی و تقوای اجتماعی کافی بود. اما پیامدهای بعد که از جانب گروههای مذهبی صورت گرفت، جز باز پس دادن مواضع بدست آمده علیه انقلاب و به ضعف کشاندن موضع دولت و رهبری انقلاب اسلامی اثر دیگری نداشت. این اثرات از چند روز پیش تاکنون تهران و به تبع آن سراسر کشور را به لبه پرتگاه سقوط در جنگ قرار داده است. در این صورت اسلام و انقلاب اسلامی ایران باید از این دوستان و یاران جاهل بنالد که به نام پاسداری از اسلام آن را ضعیف و بدنام می‌سازد. گروههایی که در این معرکه شرکت می‌کنند نشان داده و می‌دهند که اهل فکر و منطق و بحث و تحلیل و تبلیغ نیستند و یا خود از این جهات احساس ضعف می‌کنند و تنها راه مواجهه و مقابله‌شان، همان زور و مشت و تیر است. متأسفانه این شیوه‌ها نه فقط از طرف رهبران روحانی و مذهبی که قاعدتاً مطاع و مراد گروههای عمل‌کننده‌اند تعدیل، متنبه و یا محدود نمی‌گردند بلکه در دو روز اخیر به عناوین مختلف تحریک نیز می‌شوند و این واقعیت

خطر شرائط فعلی را به درجات، مضاعف می‌سازد. رهبران روحانی جامعه باید متوجه باشند که در جلوگیری از خشونت‌ها و شدت عمل‌ها و بی‌مغزیهای اینگونه گروههای سرکوب‌کننده و صاحب مشیت و سلاح و فریاد و فحش که نتیجه و حاصل عملشان چیزی جز گسترش ضدانقلاب و نفرت از اسلام، گشودن دهان آنان به اهانت به مقدسات انقلابی ما و سوق دادن کشور به طرف جنگ داخلی اثر دیگری ندارد، تنها ایشان هستند که دارای قدرت تأثیر و عمل می‌باشند. گروههای سیاسی و مذهبی دیگر از قدرت نفوذ روی آنان مأیوسند. پس این شما هستید و این آینده و سرنوشت انقلاب اسلامی ایران.

ما بر مبنای شناخت مکتب قرآن و اسلام اعلام میداریم که اسلام و با الهام از آن انقلاب اسلامی ایران مکتب رحمت است نه مکتب خشونت و انتقام. پیشوایان ما در برخورد با دشمنان غدار و ستمکار خود نیز از حدود عدالت و رحمت بیرون نرفته‌اند و هرگز به خشونت‌های بیفایده و غیرضروری دست نزده‌اند و تجویز نکرده‌اند. این آقایان با این اعمال نه چهره واقعی اسلام را نشان دادند نه تأثیری مثبت و تکاملی توانستند بر جنبش و انقلاب بگذارند. ولی برعکس راه را برای پیش‌آمدن ضدانقلاب و جری‌تر شدن و بیش‌رمانه عمل کردن آن باز کردند و دورنمای جنگ داخلی را در برابر صاحبان مسئولیت و درد انقلاب اسلامی باز کردند.

امروز مهمترین وظیفه ما جلوگیری از گسترش این روحیه و فضای خشنی است که چند روز است از جانب ضدانقلاب و با همکاری یاران جاهل انقلاب اسلامی بر فضای وطن اسلامی سایه انداخته است. پیش به سوی روابط و مناسبات رحمت‌آمیز اسلامی با همه مردم اعم از دوست و دشمن.

**نهضت آزادی ایران**

۲۳ / مرداد / ۱۳۵۸